



۲۰۱۸/۰۷/۱۸



لمر احسان

معرفی مستوفی الممالک «محمدحسین خان صافی» پدر خلیل الله خلیلی در قاموس کبیر افغانستان



قاموس کبیر افغانستان، در کنار شرح و تسجیل لغات، مجمع اللغات، تاریخ، جغرافیه، اقتصاد و بسی مسائل دیگر مربوط افغانستان می پردازد، رجال سیاسی و شخصیت های تاریخی افغانستان را تحت کتگوری که مناسب خدمات آنها باشد مانند «رجال سیاسی» باشد تسجیل و آنلین می سازد. پورتال افغان جرمن آنلین و قاموس کبیر افغانستان هر دو مسؤولیت خود می داند که بدون تبعیض و کینه، شخصیت های مهم را از جهات مثبت و منفی، برای مردم معرفی کند.

محمد حسین خان مستوفی الممالک از قوم صافی منطقه سید خیل ولایت پروان بوده. در ابتدا به حیث کاتب در چوکات کوتوالی وقت مقرر و بزودی ارتقا نمود تا اینکه معاون کوتوال تعیین گردید، وی بخاطر گرفتن کرسی اصلی کوتوالی (قوماندانی امنیه) از نائب «میر سلطان» به امیر عبدالرحمن خان چنان نامی کرد که وی مخالف و بدخواه امیر است و امیر که در قتل مخالفان خود ید طولانی داشت، پس از استنطاق وی را مجرم و اعدام نمود. و محمد حسین خان در پست کوتوال و هم سر دفتر سنجش آن اداره مقرر شد و به قول از فیض محمد کاتب "از این دو شغل بزرگ رعب عظیم و خوف عمیم در دل خلق انداخته امور بس شگفت و هنگفت بر روی روزگار آورده کارهای آشکار او نهضت بسیار کردند."

آنگاه «میرزا محمد حسین خان» به دربار راه یافت و راه و رسم دربار داری آموخت و کارش به جایی کشید که کسی را بجز امیر یاری سخن گفتن در برابرش نبود. و امیر باغ جهان آرا را برای رهایش وی بخشید. وی هر اندازه ظلم مینمود به همان اندازه پاداش میگرفت. ترس از شکنجه های اداره امیر به جای کشید که مردم از شنیدن نام (جلبی) زهره در جگر شان نبود. مردم از نامهای شش کلاه و نام گیرک مخصوصا در پایتخت انزجار و نفرت نشان میدادند. شش کلاه عبارت از تشکیل یک اداره سنجش محاسبات امور مالی و تعیین دارایی محکومین بود که سررشته دار آن میرزا «محمد حسین خان صافی» بود.

در دوره امیر حبیب الله خان کوتوالی و مستوفیت یا وزارت مالیه هم برایش داده شد. مستوفی الممالک ادارات استیفا^۱ و امور مالی کشور را در معرض بیع و شری قرار داده بود. که هزاران خانواده را به نام باقی دار و مقروض دولت تباه نمودند.

وی در دربار امیر از سیاست سازش با انگلیس پشتیبانی میکرد.^۲ «امیر حبیب الله خان» پس از انعقاد معاهده سال ۱۹۰۵ با انگلیس و مسافرت به هند در سال ۱۹۰۷ و نیز متعاقب قرارداد روس و انگلیس در "سن پترزبورگ" مبنی بر بیرون شدن افغانستان از حوزه نفوذ روسیه و تعهد انگلیس در بدل کسب امتیاز کنترل روابط خارجی افغانستان خود را از شر روس و انگلیس مطمئن و آسوده حال احساس کرد و امور داخلی را به برادر خود «سردار نصرالله خان» [نائب السلطنه] و پسر بزرگ خود «سردار عنایت الله خان» [معین السلطنه] سپرد و امور مالی را به «میرزا محمد حسین

^۱ - طلب تمام چیزی را کردن، مستوفی حساب، تصفیه. مالیات، انتفاع و بهره بردن از کار یا مال غیر.

^۲ - غلام محمد غبار - افغانستان در مسیر تاریخ - جلد اول میزان ۱۳۴۶ کابل ص ۴۶۰

خان «مستوفی الممالک» تفویض کرد و خودش با خاطر آرام به عیش و لذات خصوصی در حرم و شکار به تفریح و خوشگذرانی پناه برد.^۲

با آغاز نهضت بیدارگر مشروطه اول (۱۹۰۹) محمد حسین خان با گماشتن جوایس در داخل حلقه، که مشهورترین آن **برگد محمد عظیم {مشهور به برگد عظیمو}** شوهر دختر خاله مستوفی که در همسایگی شان هم مسکن داشت و هم ملا منهاج الدین تمامی مشروطه خواهان را که بیشتر از ۵۰۰ نفر بودند زیر نظر گرفته و لیست شان را ترتیب و به امیر رسانید که تعدادی اعدام و بسیاری زندانی شدند. پس از واقعه فیر تفنگچه بر امیر (۱۹۱۸) مستوفی الممالک در صدد کشف قضیه و موظف به تحقیق و تعقیب قضیه شد، که وی گزارش سری به شاه تقدیم و نقشه سوء قصد علیه امیر حبیب الله خان را به طوری که گویا شهزاده امان الله خان و علیا حضرت مادر وی در آن دخیل بودند به شاه رسانید.

پس از کشته شدن امیر حبیب الله خان و اعلان سلطنت چند روزه، سردار نصر الله خان، خلع خود را از سلطنت اعلام نمود ولی مستوفی الممالک با آن مخالفت نموده و اظهار داشت که: **"وقت کار است نه این کردار که شما می کنید"**. نامبرده مواد ده گانه و مکتوب اخطاریه اهالی جلال آباد را به رشته تحریر آورده، که شامل مطالب ذیل است:

اول - افزود ماهانه بیست و پنج روپیه تنخواه هر واحدی از سرباز و افسران اردو.

دوم - ارسال نامه به ویسرای کشور هند که مبلغ شانزده میلیون روپیه که از عطیه مستمره چند ساله دولت انگلیس در پیشاور آمده و موجود است، به زودی گسیل نماید و نیز مطابق قرار داد، از توپ و تفنگ و مهمات به قدر کفایت اگر بتوانند دریغ و مضایقه نکنند. بالمقابل افغانستان با تعهدات قبلی خود با بریتانیه وفادار خواهد بود.

سوم - هر چه زودتر، در مقابل فوجی که عین الدوله (امان الله خان) از کابل جانب جلال آباد سوق داده قوه فرستاده شود.

چهارم - سردار عنایت الله خان به قیادت سپاهی از شمالی و شهزاده حیات الله خان با شیر احمد خان ایشک آقاسی نظامی به سوی جنوبی رفته با لشکر قبایل منگل و جدران و غیره از راه لهوگر به کابل حمله کنند.

پنجم - بیست هزار تن مرد جنگ آور پرخاشگر از قبائل شینوار و افریدی و مهمند عاجل به جلال آباد خواسته شود.

ششم - ضرور است که نیک محمد خان ایشک آقاسی، علیا حضرت مادر و خواهران سکه عین الدوله را در تحت حراست و حفاظت یا گروگان بگیرند.

هفتم - چون امان الله ان اعلان امارت خود را به ولایات ارسال نموده بناعا به نایب الحکومه قندهار و هرات و حکام توابع از راه پیشاور و شالکوت بلوچستان و به نایب الحکومه های قطغن و بدخشان و ترکستان و حکام و توابع از راه لغمان و فراجان و پنجشیر و کوتل خاواک، نامه ارسال داشت که دست از بیعت و اطاعت عین الدوله روی بر تابند.

هشتم - موجودیت ملا غلام محمد خان (فرستاده عین الدوله) در جلال آباد موجب ضرر و فساد است. باید با اخطار نامه تحریری به کابل گسیل شود

نهم - هر قدر جواهرات و اسعار که در جلال آباد به خزانه موجود و حاضر باشد، به هندوستان فرستاده و فروخته، هر قدر از لوازمات حرب چون خیمه و اسب و اشتر که ضرور و به کار باشد، خریده برای مصارف جنگ آورده شود.

^۲ - دکتر عبدالله کاظم - اسرار نهفته شهادت امیر حبیب الله خان سراج الملة والدین به استناد "سراج التواریخ" -

جنوری ۲۰۱۷ سایت افغان جرمن

دهم - هر قدر مبلغی که در خزانه های جلال آباد و لغمان و کنر ها جمع آوری و در هنگام احتیاج صرف گردد.

با قیام اردوی جلال آباد مستوفی بعد از مقاومت مسلحانه دستگیر و عساکر خشم آگین عزم کشتن او را داشتند که: «درعین هجوم و ازدحام، برگد محمد انور خان به عزم اینکه لک ها روپیه از مال دولت و عجزه «ضعیفان» ملت که سالها به جور و اکراه و رشوت اخذ و جمع نموده و هزاران نفر از اعیان و اشراف و مأمورین را به دسیسه و اعتساف، خانمان برباد دمار و هلاک داده است، اگر کشته شود، همه تلف و ضایع می گردد»^۴ او را تحت الحفظ به کابل منتقل و بعد از محکمه در دربار حکم اعدامش صادر شد.

قاموس کبیر افغانستان

تاریخ	اسم یا کلمه	تصویر	بیوگرافی مختصر	کارکرد ها	معلومات مکملتر	نوع محتوا
	حسین خان صافی		«محمدحسین خان» مستوفی الممالک فرزند «رحمدل خان» از خوانین قوم صافی، سید خیل ولایت پروان است. نوشت و خوان را از خانواده خود آموخت و کارش از کتایت حادی در چهار چوب کوتوالی کابل آغاز گردید. نخستین کوتوال (قوماندان پولیس) شهر کابل «نائب میر سلطان» و معاون او «میرزا محمد حسین خان» بود، سپس مقام کوتوالی به وی داده شد که تا اخیر امارت عبدالرحمن خان دوام نمود.	«میرزا محمدحسین خان» در زمان امارت عبدالرحمن خان سر دفتر سنجش کوتوال کابل و «میرزا عبدالرؤف خان» نائب او مقرر شدند. در این دوره اداره ساخته شد که مردم آنرا شش کلاه میگویند «که عبارت از تشکیل یک اداره سنجش محاسبات امور مالی و تعیین داری محکومین بود که سررشته دار آن میرزا «محمد حسین خان» کوتوال بود و اعضایش «میرزا عبدالرؤف خان»، «میرزا محمد قاسم خان» روز نامه، «میرزا محمود خان» قندهاری، «میرزا شیر علی خان» و «غلام حسن خان» بودند. اینها برای ابراز خدمت به امیر بسی خانواده ها و مردم بیگناه را به عنوانین باقی داری و تحریف محاسبات و غیره بریاد نمودند.	امیر حبیب الله خان بعد از سال 1907 میلادی امور مالی را به «میرزا محمد حسین خان» «مستوفی الممالک» تفویض کرد، و بعد از واقعه فیر تفنگچه در شوربازار کابل بر امیر مستوفی مسئول کوتوالی و کشف قضیه هم گردید. مستوفی یکی از سرسخت ترین مخالفین جنبش مشروطیت بوده چنانچه طبق عادت معمول گماشته ها و جواسیس را با و حید و بول مامور راپور دهی از آنها نموده بود.	رجال سیاسی و شخصیت های تاریخی

پایان

۴ - فیض محمد کاتب - سراج التواریخ - جلد سوم ص ۷۱۲

Frei verwendbar

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ